

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

118399



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد رشته حقوق مالکیت فکری

عنوان :

انتقال مالکیت صنعتی از طریق

قرارداد فروش

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر منصور امینی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر میر حسین عابدیان

پژوهشگر :

ابراهیم فرامرزی

سال تحصیلی ۱۳۸۷

۱۱۵۴۲۶

۸۷/۱/۱۰۱۲۸۷
۸۸/۱/۲۵



۸۳۸۸ / ۱ / ۲۵

تقدیم با تمام وجود بہ

ہمسر مہربان و فداکارم ،

و پسر عزیز و دلنہدم.

نام خانوادگی : فرامرزی

نام : ابراهیم

دانشگاه : شهید بهشتی

دانشکده : حقوق

رشته تحصیلی : حقوق مالکیت فکری

مقطع : کارشناسی ارشد

نام استاد راهنما : دکتر منصور امینی

عنوان پایان نامه : انتقال مالکیت صنعتی از طریق قرارداد فروش

تاریخ فراغت :

چکیده

این پایان نامه با قصد بومی سازی نهاد مالکیت صنعتی به نگارش در آمده است و با شناسایی حقوق مالکیت صنعتی ، شاخه های آن ، اعتبارات قانونی هر یک از این شاخه ها ، ویژگی های آن و سنجش آن با مفاهیم مرتبط با قراردادهای مالی ، و همچنین شناسایی جامع قرارداد فروش در ساحت فقهی و حقوقی ، به پرسش امکان انتقال مالکیت صنعتی از طریق قرارداد فروش پاسخ مثبت داده است.

عنوان های اصلی

۴	عنوان های اصلی
۶	مقدمه
۱۰	بخش نخست - شناسایی مالکیت صنعتی
۱۳	فصل نخست- شاخه های مالکیت صنعتی و حقوق مورد شناسایی قانون
۱۳	مبحث نخست- شاخه های مالکیت صنعتی
۳۷	مبحث دوم- حقوق مورد شناسایی قانون
۴۲	فصل دوم- ماهیت مالکیت ، مالیت و حق
۴۲	مبحث نخست- ماهیت مالکیت
۶۴	مبحث دوم- ماهیت مالیت
۷۳	مبحث سوم- ماهیت حق
۸۷	فصل سوم- سنجش مالکیت صنعتی با مالکیت ، مالیت و حق
۸۸	مبحث نخست- سنجش مالکیت صنعتی با مالکیت
۹۵	مبحث دوم- سنجش مالکیت صنعتی با مالیت
۹۹	مبحث سوم- سنجش مالکیت صنعتی با ماهیت حق
۱۰۲	بخش دوم - شناسایی قرارداد فروش و مقایسه ی مالکیت صنعتی با ویژگی های عوضین- ۱۰۲
۱۰۴	فصل نخست- شناسایی قرارداد فروش
۱۰۴	مبحث نخست- شناسایی قرارداد فروش در ساحت فقهی
۱۵۹	مبحث دوم- شناسایی قرارداد فروش در ساحت حقوقی
۱۶۵	فصل دوم- مقایسه ی مالکیت صنعتی با ویژگی های عوضین
۱۶۵	مبحث نخست- مقایسه ی مالکیت صنعتی با ویژگی های عوضین در ساحت فقهی
۱۶۹	مبحث دوم- مقایسه ی مالکیت صنعتی با ویژگی های عوضین در ساحت حقوقی
۱۷۲	نتیجه گیری
۱۷۵	فهرست تحلیلی عنوان ها
۱۸۱	فهرست منابع و مأخذ
۱۸۱	الف- منابع فارسی
۱۸۲	ب- منابع عربی

مقدمه

حقوق مالکیت فکری رشته ای از حقوق است که موضوع آن عمدتاً حمایت از فکر و ایده می باشد. این رشته به دو شاخه ی اصلی تقسیم می شود. حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مالکیت صنعتی. حقوق مالکیت صنعتی را نیز می توان به دو شاخه ی اصلی تقسیم نمود. شاخه های مبتنی بر حمایت از فکر و ایده ی صنعتی و شاخه های مبتنی بر حمایت از شهرت ناشی از فعالیت تجاری.

در ایران ، پیش از تصویب قانون مدنی و قانون تجارت ، قانونی مختص علائم تجاری و صنعتی در نهم فروردین ماه سال ۱۳۰۴ به تصویب رسید. پس از آن ، همپای تصویب قانون مدنی و قانون تجارت نیز ، قانونی با عنوان قانون ثبت علائم و اختراعات در موضوع مالکیت صنعتی ، در اول تیر ماه سال ۱۳۱۰ ، به تصویب رسید. با این که این نهاد حقوقی ، بومی نیست و از حقوق کشورهای خارجی وارد شده است ، و زمینه ی طرح مباحث بنیادین در این خصوص ، حتی پیش از تصویب قانون مدنی و قانون تجارت در ایران فراهم شده است ، تا همین دهه ی اخیر ، کار علمی در خور توجهی در راستای انطباق این نهاد با مبانی حقوقی داخلی به چشم نمی خورد و این موضوع ، در مقایسه با موضوعات مطرح در قانون مدنی یا قانون تجارت ، متون حقوقی زیادی را به خود اختصاص نداده است.

در سال های اخیر ، برای انجام تحولات اقتصادی و پیوستن به مجامع بین المللی که مستلزم ایجاد زمینه ی حمایت از حقوق مالکیت فکری می باشد ، نیاز شدیدی برای تحقق این موضوع

احساس شد. در این راستا برخی پایان نامه ها و مقالات ، به بررسی حقوق مالکیت فکری بر مبنای متون ناقص داخلی و منابع اصلی این رشته در حقوق خارجی پرداختند و همین شناسایی ، زمینه را برای دیگر محققین ، جهت پرداختن به مبانی توجیهی فقهی این نهاد مهیا ساخت. فقهی از این جهت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ، نظام حقوقی اسلامی ، رسماً بر ایران حکم فرما شد. طبق اصل چهارم قانون اساسی : « کلیه ی قوانین و مقررات مدنی ، جزایی ، مالی ، اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، نظامی ، سیاسی و غیر این ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده ی فقهای شورای نگهبان است. »

به نظر می رسد ، با توجه به رویکرد فعلی قانون گذاری در ایران ، که به سوی مقنن نمودن حمایت از رشته های مختلف حقوق مالکیت فکری علی العموم و حقوق مالکیت صنعتی علی الخصوص گام بر می دارد و قوانین جدیدی در این خصوص ، مانند قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی در ۱۳۸۳/۱۱/۷ از تصویب مجلس و شورای نگهبان گذشته است ، همگان پذیرفته اند که این شاخه از حقوق با شرع مبین اسلام مغایرتی ندارد و حتی اکنون ، برخی از مراجع عظام تقلید نیز این حقوق را از جنبه ی شرعی به رسمیت شناخته اند^۱. بنابراین دیگر زمینه برای بومی سازی این نهاد فراهم است و نباید در کنار انجام پروژه های تحقیقاتی که با هدف شناسایی شاخه های مختلف و متنوع حقوق مالکیت فکری به نگارش در می آیند و اکثر منابعشان قوانین و متون حقوقی کشورهای خارجی و پیمان ها و کنوانسیون های بین المللی است و صد البته برای به روز بودن و پویایی حقوق ما حیاتی اند ، از مقایسه و تطبیق این تازه واردان با نهاد های داخلی و منابع سنتی فقهی که اغلب خواستگاه این نهاد ها می باشند غافل شد ، زیرا هنوز پیوند مفاهیم مالکیت صنعتی و قوانین مربوط به آن با دیگر قوانین کاربردی و مبتلا به

^۱ حسینی سیستانی ، سید علی ، الفتاوی المیسره ، مکتب السماحة آية الله العظمی السیستانی ، چاپ سوم ، بی جا ، سال ۱۴۱۷ ه.ق. ، ص. ۴۱۲ - منظری ، حسین علی ، رساله ی توضیح المسائل ، چاپ شانزدهم ، نشر تفکر ، تهران ، سال ۱۳۷۷ ، ص. ۶۲۳ - عربیان ، جواد ، چشم انداز فقهی و حقوقی مالکیت های فکری با تأکید بر دیدگاه فقهی امام خمینی ، چاپ اول ، معاونت پژوهشی ، انتشارات پژوهشکده ی امام خمینی و انقلاب اسلامی ، تهران ، سال ۱۳۸۲ ، ص. ۲۷۲ و ۲۷۳ - حسینی خامنه ای ، سید علی ، أجوبة الاستفتائات ، جلد دوم ، چاپ اول ، دار النبی للنشر و التوزیع ، بیروت ، سال ۱۴۱۵ ه.ق. - ۱۹۹۵ م. ، ص. ۹۱ - حسینی روحانی ، سید محمد صادق ، مسائل المستحدثه ، چاپ چهارم ، مؤسسه ی دار الکتاب ، قم ، سال ۱۴۱۴ ه.ق. ، ص. ۲۲۴.

جامعه ، مانند قانون مدنی ، و مفاهیم آن تبیین نشده و لذا سیستم قضایی ما با این مفاهیم بیگانه است ، در نتیجه عملاً این نهاد در جامعه غیرکاربردی و محجور مانده است. کاری که امثال این پایان نامه خط شکنان آن خواهند بود.

یکی از پرسش های مطرح در زمینه ی بومی سازی و پیوند حقوق مالکیت صنعتی با مفاهیم مطرح در قوانین کاربردی و محل احتیاج جامعه و سیستم قضایی ، این است که قالب های انتقالی که در قوانین ما تعریف شده و مورد شناسایی قانون گذار قرار گرفته است ، آیا می توانند در مورد مالکیت های صنعتی نیز به کار آیند و آیا قانون گذار به گونه ای این قالب ها را اعتبار نموده است که تحمل انتقال مالکیت های صنعتی را نیز داشته باشند؟ یکی از قدیمی ترین و رایج ترین این قالب ها قرارداد فروش یا بیع است که از این حیث ، تبیین مسأله نسبت به آن در اولویت قرار دارد و پایان نامه ی حاضر نیز به همین دلیل به آن اهتمام گماشته است.

بنابراین مشخصاً موضوع بحث در این پایان نامه پاسخ به این پرسش است که آیا انتقال مالکیت صنعتی از طریق قرارداد فروش امکان پذیر است یا نه؟ به دیگر سخن ، از منظر قرارداد فروش ، آیا عقد بیع می تواند محل مناسبی برای انتقال مالکیت صنعتی به شمار آید و از منظر مالکیت صنعتی ، آیا این شاخه از مالکیت فکری صلاحیت این را دارد که به عنوان مبیع و یا ثمن ، موضوع قرارداد فروش قرار گیرد؟ همان طور که گفته شد قرارداد فروش از رایج ترین عقود است و به دلیل همین رواج ، کمتر چیزی است که توسط عرف با آن مورد مبادله قرار نگیرد و خصوصاً در مورد برخی پدیده های نوظهور ، مانند حق سرقتی و حقوق مالکیت صنعتی ، عرف ، تردیدی در انتقال آن با قرارداد فروش ندارد. حال باید دید ، آیا قانون گذار که در اغلب موارد ، قوانین را در جهت رفع نیازهای جامعه به تصویب می رساند ، نه ایجاد تشنگی و دوگانی با رویه ی عموم مردم ، در این مورد نیز با جامعه هم صدایی کرده و قرارداد فروش را برای انتقال مالکیت صنعتی مهیا نموده است؟ کاری که علی القاعده باید انجام داده باشد.

متأسفانه در این بررسی کار صورت گرفته ای به چشم نخورد و لذا رویه ای نبود تا در نگارش پایان نامه ی حاضر از آن پیروی شود. اما در مسیر پاسخ به این پرسش ، از یک سو با مفهوم مالکیت صنعتی مواجهیم و از سوی دیگر با قرارداد فروش. بنابراین همان گونه که منطق

حکم می نماید ، ابتدا باید مالکیت صنعتی مورد شناسایی قرار گیرد و سپس قرارداد فروش ، تا با شناسایی این دو مفهوم بتوان در مورد امکان و چگونگی پیوند آن دو حکم نمود. بنابراین پایان نامه ی حاضر از دو بخش تشکیل خواهد شد. بخش اول به شناسایی مالکیت صنعتی اختصاص خواهد یافت و بخش دوم به شناسایی قرارداد فروش و مقایسه ی مالکیت صنعتی با ویژگی های عوضین. شناسایی مالکیت صنعتی را با رجوع به اسناد اصلی و عمده ی حمایت کننده از آن در سطح بین المللی و بررسی شاخه های مختلف آن و شناسایی مفاهیم اصلی مرتبط با عقود و معاملات در فقه و حقوق داخلی و سنجش مالکیت صنعتی با این مفاهیم انجام خواهیم داد.

قرارداد فروش را نیز با بررسی جامع منابع دسته اول فقهی ، از صدر غیبت ولیعصر (عج) تاکنون ، و همچنین قانون مدنی مورد شناسایی قرار خواهیم قرارداد تا آن را با تصویر و شمایی که از ویژگی های مالکیت صنعتی در بخش اول حاصل نمودیم ، مقایسه کرده و از مقایسه ی مذکور به پاسخ پرسش مطروحه در این پایان نامه برسیم.

بخش نخست

شناسایی مالکیت صنعتی

مفهوم مالکت فکری یا معنوی از مفاهیمی است که ریشه در فقه و حقوق سنتی ما ندارد و از حقوق کشور های خارجه و معاهدات بین المللی که برای ایجاد نظام واحد حمایتی سامان داده شده اند و ایران نیز ، همانند بسیاری از کشورهای جهان سوم هیچ نقشی در تنظیم آن ها نداشته ، به ادبیات حقوقی ایران وارد شده است. متأسفانه ، در روند ورود این مفهوم به حقوق ایران ، اولاً کار دقیق و عمیقی صورت نگرفته و به عنوان مثال در مالکیت صنعتی ، به ذکر چند عنوان کلی مانند اختراع یا علامت تجاری بسنده شده و در مورد شاخه های مختلف آن به تفکیک تعیین تکلیف نشده است ، ثانیاً ، بومی سازی و تطبیق با مبانی سنتی صورت نگرفته و لذا قوانین حمایت کننده ی حقوق معنوی علی العموم و قوانین حمایت کننده از حقوق مالکیت صنعتی علی الخصوص ، در مورد چیستی آن یا اساساً ساکت اند و یا دارای اجمال و ابهام می باشند.

از این جهت ، به نظر می رسد بتوان از یک سو ، با کمک گرفتن از کنوانسیون های بین المللی حمایت کننده از مالکیت صنعتی ، که جامع شاخه های پذیرفته شده و اصلی که ابتدا در قوانین داخلی متقدم و پیشرو در زمینه ی حمایت از مالکیت صنعتی مورد شناسایی قرار گرفته است می باشند ، و بررسی مقررات داخلی که محدوده ی حمایت های قانونی و اختیارات و امتیازات دارنده ی حقوق مالکیت صنعتی را ترسیم می کند ، و از سوی دیگر شناسایی مفاهیم مرتبط با این حقوق در نظام داخلی و مقایسه و سنجش آن دو با یکدیگر ، به شمایی کلی از چیستی مالکیت صنعتی رسید.

مفاهیم اساسی که برای رسیدن به پاسخ این پرسش که آیا بیع می تواند قالب انتقال مالکیت صنعتی قرار گیرد یا نه ، مفاهیم مالکیت ، مالیت و حق می باشند. بنابراین در این بخش ، ابتدا به شناسایی مالکیت صنعتی ، و مفاهیم مالکیت ، مالیت و حق می پردازیم و سپس با سنجش مالکیت صنعتی با هر یک از این مفاهیم ، در خواهیم یافت که آیا مالکیت صنعتی با این مفاهیم رابطه ای دارد و به عنوان مثال اضافه ی موجود میان صاحب حق مالکیت صنعتی و موضوع آن ، طبق ضوابط داخلی اضافه ی مالکیت است یا اضافه ی حقیقت؟

بنابر آن چه گفته شد ، شناسایی مالکیت صنعتی در سه فصل صورت می گیرد. فصل اول به معرفی اجمالی شاخه های مالکیت صنعتی و حقوق مورد شناسایی قانون و فصل دوم به ماهیت مالکیت ، مالیت و حق اختصاص می یابد. فصل سوم نیز مبتنی بر شناخت حاصل از دو فصل قبل ، به سنجش مالکیت صنعتی با مفاهیم مالکیت و مالیت و حق خواهد پرداخت.

فصل نخست- شاخه های مالکیت صنعتی و حقوق مورد شناسایی قانون

در این فصل ابتدا به معرفی اجمالی شاخه های مالکیت صنعتی می پردازیم و پس از آن به این موضوع خواهیم پرداخت که قانون چه حقوقی را برای هر یک از این شاخه ها مورد شناسایی قرار داده است.

مبحث نخست- شاخه های مالکیت صنعتی

اصطلاح مالکیت صنعتی در بند ۳ ماده ی ۱ کنوانسیون پاریس مورد استفاده قرار گرفته است. به موجب این بند ، مالکیت صنعتی در مفهوم وسیع ، نه تنها شامل صنعت و تجارت به معنای اخص کلمه می شود ، بلکه صنایع کشاورزی و استخراجی و کلیه ی محصولات ساخته شده از قبیل دانه های گندم ، جو ، حبوبات ، برگ توتون ، انواع میوه ، حیوانات ، مواد معدنی ، آب های معدنی ، ماءالشعیر ، گل ها و آرد را هم در بر می گیرد.

با توجه به این کنوانسیون موضوع حمایت مالکیت صنعتی ، ورقه های اختراع ، نمونه های اشیاء مصرفی ، طرح ها و مدل های صنعتی ، علائم کارخانه ها یا علائم بازرگانی ، علائم مربوط به خدمات ، اسم بازرگانی ، مشخصات مبدأ یا نامگذاری اصلی جنس و نیز جلوگیری از رقابت نامشروع می باشد.

در موافقت نامه تریپس طرح های ساخت مدارهای یکپارچه و نشانه های جغرافیایی نیز تحت عنوان حقوق مالکیت صنعتی قابل حمایت معرفی شده اند^۱.

در این مبحث به معرفی اجمالی آن چه در کنوانسیون پاریس و موافقت نامه ی تریپس تحت عنوان حقوق مالکیت صنعتی قابل حمایت معرفی شده اند خواهیم پرداخت.

پیش از ورود به معرفی اجمالی هر یک از شاخه های مذکور ، ذکر دو نکته ضروری است. نکته ی اول این که حمایت از اختراعات ، علائم تجاری و طرح های صنعتی به صورت اعطای حق استفاده انحصاری صورت می گیرد ولی جلوگیری از رقابت نامشروع به حقوق انحصاری مربوط نمی شود ، بلکه علیه فعالیت های رقابتی است که با فعالیت های صادقاته در امور صنعتی و بازرگانی مغایرت دارد^۲.

نکته ی دوم این که در میان شاخه هایی از مالکیت صنعتی که حمایت از آن با اعطای حق استفاده ی انحصاری صورت می پذیرد ، موضوع حمایت یکسان نیست بلکه شناسایی دسته ای ، مانند اختراعات یا طرح های صنعتی ، مبتنی بر حمایت از فکر و ایده است ، در حالی که شناسایی دسته ی دیگر مبتنی بر حمایت از شهرت ناشی از فعالیت های تجاری است.

بنابراین ، اولاً جلوگیری از رقابت نامشروع مکمل حمایت از حقوق مالکیت های صنعتی است و مستقیماً با آن ارتباط پیدا نمی کند ، از همین رو طبع آن با دیگر موارد مالکیت صنعتی متفاوت است و لذا در بحث معرفی شاخه های حقوق مالکیت صنعتی نمی گنجد ، ثانیاً می توان معرفی شاخه های مالکیت صنعتی را به دو دسته ی مذکور تقسیم نمود تا مواردی که از لحاظ دلیل حمایت مشابه اند کنار یکدیگر قرار گیرند.

گفتار نخست- شاخه های مبتنی بر حمایت از فکر و ایده

امروزه هر نوع کالا ، ما حاصل نیروی کار دستی و فکری است. اشیاء ملموس دارای ارزش استفاده و مبادله بوده و به همین دلیل از قابلیت مبادله در بازار برخوردارند. محصول

^۱ میر حسینی ، سید حسن ، فرهنگ حقوق مالکیت معنوی-حقوق مالکیت صنعتی ، چاپ اول ، نشر میزان ، تهران ، پاییز ۱۳۸۵ ، ج. ۱ ، ص. ۱۷۲.
^۲ همان.

هوش انسانی نیز قطعاً دارای ارزش است زیرا در غیر این صورت ، کسی مبادرت به تقلید و سرقت طرح دیگران نمی کند.

در مقایسه با سایر کالاها و محصولات ، محصول هوش انسانی دارای چهار خصیصه است :

۱- نتیجه ی مستقیم کار فکر انسان است.

۲- در طبقه ی اطلاعات می گنجد.

۳- در اثر مصرف از بین نمی رود.

۴- به راحتی عرضه شده و قابلیت تکثیر دارد.

ویژگی های مزبور باعث می گردد که صاحب چنین محصولی نتواند استفاده از آن را تحت کنترل خود نگه داشته و به راحتی از دست می رود. برای مثال ، صاحب یک دوچرخه (به عنوان شیئی) می تواند آن را تملک و کنترل کند ، لیکن طرح اختراعی دوچرخه (محصول هوش انسانی) را نمی تواند عملاً انحصاری کرده و از اختراع خود بهره برداری کند ، مگر آن که قانون این حق را به وی اعطاء نماید. سیر تحولات اجتماعی ، از دوران کشاورزی به صنعتی و النهایه عصر اطلاعات ، منجر به کاهش کنترل و استفاده مخترع از اختراع خود شده است^۱.

به همین دلیل محصولات فکر و ایده ، در جهت ایجاد محیط امن برای رشد و شکوفایی و فراهم نمودن زمینه ی ظهور و بروز ، مورد حمایت قانون گذاران قرار گرفته است. در مالکیت صنعتی ، حمایت از اختراع و ورقه ی اختراع ، نمونه های اشیاء مصرفی ، طرح ها و مدل های صنعتی و طرح های ساخت مدارهای یکپارچه مبتنی بر این اصل است. در این گفتار ، اجمالاً با هر یک از این موارد آشنا می شویم.

^۱ امائی ، تقی ، قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری (ملی و بین المللی) ، چاپ اول ، انتشارات بهرامی ، تهران ، سال ۱۳۸۳ ، ص. ۱۵ (دیباچه ی دکتر بهروز اخلاقی) .

قسمت نخست- اختراع و ورقه ی اختراع (Patent)

مفهوم اختراع و شرایط ثبت آن برای برخورداری از حمایت قانون گذار ، موضوعات این قسمت را تشکیل می دهند. اما شرایط ثبت ، ذیل عنوان ورقه ی اختراع بحث شده که ما نیز به همین ترتیب عمل می نماییم.

بند نخست- اختراع

در قوانین اکثر کشورها از اختراع تعریفی به عمل نیامده است. از دیدگاه برخی ، اختراع یک ایده ی نوین است که راه حل عملی را برای یک مشکل مشخص در زمینه ی تکنولوژی ارائه می دهد. بعضی از مولفین ، اختراع را راه حل در رابطه با یک مشکل مشخص در زمینه ی تکنولوژی دانسته اند.

در قانون ژاپن در تعریف اختراع آمده است : « ابتکار پیشرفته در زمینه های فنی که در آن از قانون طبیعت استفاده شده باشد. » ، ولی در موافقت نامه ی تریپس و همچنین قانون ثبت علائم و اختراعات ایران مصوب ۱۳۱۰ ، از اختراع تعریفی به عمل نیامده است^۱.

در ماده ی ۲۶ این قانون آمده است : « هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در شعب مختلف صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن ، حق انحصاری می دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید ، مشروط بر این که اکتشاف یا اختراع مزبور ، مطابق مقررات این قانون در اداره ی ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. »
در طرح ثبت اختراعات تقدیمی به مجلس شورای اسلامی در تعریف اختراع آمده است :
« اختراع به معنای فیزیک مخترع است که در زمینه ی فناوری ، راه حل عملی برای یک مسأله ی خاص ارائه می کند. »

بند دوم- ورقه ی اختراع

برای آشنایی بهتر با مفهوم ورقه ی اختراع ، ابتدا به تعریف ورقه ی اختراع و سپس به ملاک و ضابطه برای قابلیت صدور ورقه ی اختراع می پردازیم.

^۱ میر حسینی ، سید حسن ، فرهنگ حقوق مالکیت معنوی- حقوق مالکیت صنعتی ، ج. ۱ ، ص. ۲۱۱.

الف- تعریف ورقه ی اختراع

ورقه ی اختراع ، سندی است که به مخترعی داده می شود تا به موجب آن از امتیازات اختراعات خود بهره مند شود^۱. همچنین می توان گفت ، ورقه ی اختراع امتیاز انحصاری است که از طرف دولت به یک مخترع برای یک مدت معین واگذار می شود.

با توجه به مراتب فوق ، ورقه ی اختراع یا تصدیق اختراع سندی است که در هر کشوری به وسیله ی اداره ی ثبت اختراع صادر می شود و دارنده ی آن (مخترع) برای مدت معینی یک حق-انحصاری برای استفاده از اختراع خود و توسعه ی آن به دست می آورد.

با توجه به ماده ی ۲۶ قانونی ثبت علائم و اختراعات ، هر قسم اکتشافات یا اختراع جدید در شعب مختلفه صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشافات یا اختراع خود استفاده نماید ، مشروط بر این که اکتشافات یا اختراع مزبور ، مطابق مقررات این قانون در اداره ی ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. نوشته ای که در این مورد ، اداره ی ثبت اسناد تهران (اداره ی مالکیت صنعتی) می دهد ، ورقه ی اختراع نامیده می شود. ورقه ی اختراع سندی است که برای حمایت از اختراع صادر می شود^۲.

بنابراین می توان این حق انحصاری را حق اختراع نامید. حق اختراع ، حق انحصاری ساختن و فروش و بهره وری کاشف یا صانع امری تازه در صنعت یا کشاورزی است^۳.

ب- ملاک و ضابطه برای قابلیت صدور ورقه اختراع

اختراعی قابل ثبت است که دارای سه شرط ماهوی باشد ، یعنی جدید باشد ، حاوی گام ابتکاری و دارای کاربرد صنعتی باشد. ذیلاً با هر یک از این سه ضابطه آشنا می شویم.

^۱ منبع پیشین ، ص. ۲۴۷.

^۲ منبع پیشین ، ص. ۲۱۲.

^۳ جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، مبسوط در ترمینولوژی حقوق ، چاپ اول ، کتابخانه گنج دانش ، تهران ، سال ۱۳۷۸ ، ج. ۳ ، ص. ۱۶۷۰.

نخست- جدید بودن

اختراعی جدید است که در فن یا صنعت قبلی پیش بینی نشده باشد. منظور از فن یا صنعت قبلی عبارت است از هر چیزی که در نقطه ای از جهان، از طریق انتشار کتبی یا شفاهی یا از طریق استفاده عملی و یا هر طریق دیگر، قبل از تقاضا یا در موارد مقتضی قبل از تاریخ حق تقدم ناشی از اظهارنامه ی متقاضی ثبت اختراع، برای عموم افشا شده باشد.^۱

البته در این که جدید بودن در حدود قلمرو یک کشور ملاک است یا جهان، معمولاً بین قانون کشورها اختلاف است.

در قانون ثبت اختراع انگلستان، تازگی یا جدید بودن در سطح جهان شرط است. در قانون اختراع ژاپن، تازگی یا جدید بودن به این شکل است که پیش از ثبت تقاضا، اختراع در ژاپن عمومیت نیافته و در هیچ یک از نشریاتی که در ژاپن و یا هر کشور خارجی توزیع می گردد توصیف نشده باشد.

در موافقت نامه ی تریپس، یکی از شرایط ماهوی اختراع برای ثبت، جدید بودن معرفی شده است. البته چگونگی احراز این امر، به قوانین داخلی کشورها محول شده است که از این حیث امکان انعطاف پذیری لازم، متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی و توسعه ای برای کشورها وجود دارد که این امر امتیازی مهم محسوب می شود.

در قانون ثبت علائم و اختراعات ایران جدید بودن محصول ابداعی، یا کشف هر وسیله ی جدید، یا اعمال وسایل موجوده به طریق جدید، برای تحصیل یک نتیجه یا محصول صنعتی یا فلاحتی از جمله شرایط اختراع برای ثبت معرفی شده است و بند ۱ ماده ی ۳۷ قانون، به هر ذینفعی این اختیار را داده است که به محکمه جهت بطلان ورقه ی اختراعی که جدید نیست مراجعه نماید. البته کیفیت جدید بودن و حدود آن در قانون ما معین نشده است. رویه ی عملی اداره ی مالکیت صنعتی، تازه بودن اختراع ادعایی را صرفاً در قلمرو کشور، ملاک ثبت اختراع می داند. در طرح ثبت اختراعات ارائه شده به مجلس شورای اسلامی، جدید بودن در جهان ملاک است نه کشور.^۲

^۱ میر حسینی، سید حسن، فرهنگ حقوق مالکیت معنوی-حقوق مالکیت صنعتی، ج. ۱، ص. ۸۷.

^۲ منبع پیشین، ص. ۸۸.

نکته ی قابل ذکر دیگر این که در قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ ، حکمی بیان شده است که به نظر مغایر با قوانین و مقررات بین المللی در خصوص مورد است. به موجب این قانون ، هر اختراع یا هر تکمیل اختراع موجودی که قبل از تاریخ تقاضای ثبت ، خواه در ایران و خواه در خارج ، در نوشتجات یا نشریاتی که در دسترس عموم است ، شرح و یا نقشه ی آن منتشر شده و یا به مورد عمل یا استفاده گذارده شده باشد ، اختراع جدید محسوب شده است.

دوم- گام ابتکاری

یکی دیگر از شرایط ماهوی اختراع برای ثبت این است که اختراع حاوی گام ابتکاری باشد. اختراع زمانی حاوی یک گام ابتکاری است که با در نظر گرفتن فن یا صنعت قبلی مربوط به اظهار نامه ی اختراع و با توجه به تعریف اختراع برای شخصی که دارای مهارت معمولی در فن مذکور است معلوم و آشکار نباشد.

بدیهی است که بین این شرط و شرط جدید بودن اختراع تفاوت است ، زیرا در این مرحله موضوع بررسی اداره ی ثبت اختراع این است که آیا در این اختراع نسبت به اختراع های قبلی گامی به پیش برداشته شده است و آیا این حرکت به جلو برای افراد ماهر در این فن شناخته شده بوده یا خیر؟ احراز این امر نیاز به بررسی و جستجو دارد که توسط اداره ی ثبت اختراعات انجام می گیرد.

این شرط به طور روشن و شفاف در قانون ثبت علائم و اختراعات ایران پیش بینی نشده است. اما در طرح پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی به صراحت به این نکته توجه شده است. همچنین در موافقت نامه ی جنبه های تجاری حقوق مالکیت معنوی ، گام ابتکاری به عنوان یکی از شرایط اساسی اختراع بیان شده است^۱.

^۱ منبع پیشین ، ص. ۸۹.

سوم- کاربرد صنعتی

یکی دیگر از شرایط ماهوی برای ثبت اختراع این است که اختراع ادعایی ، باید دارای کاربرد صنعتی باشد. اختراعی از نظر صنعتی کاربردی محسوب می شود که در رشته ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. صنعت به معنای گسترده آن منظور است و از جمله شامل صنایع دستی ، کشاورزی ، ماهیگیری و خدمات نیز می شود. این شرایط در ماده ی ۲۷ موافقت نامه تریپس به صراحت پیش بینی شده است.

با توجه به قانون ثبت علائم و اختراعات ایران ، اگر اختراع ، مربوط به طریقه های علمی صرف بوده و عملاً قابل استفاده صنعتی یا فلاحتی نباشد ، هر ذی نفعی می تواند به محکمه رجوع کرده و تقاضای صدور حکم بطلان ورقه ی اختراع را بنماید. در طرح پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی ، اختراعی قابل ثبت معرفی شده است که دارای کاربرد صنعتی باشد^۱.

قسمت دوم- نمونه های اشیاء مصرفی

در بند ۲ ماده ی ۱ کنوانسیون پاریس، نمونه های اشیاء مصرفی به عنوان یکی از مصادیق حقوق مالکیت صنعتی معرفی شده است.

در معاهده ی همکاری ثبت اختراع (PCT) ، نمونه های اشیای مصرفی تحت نظام بین المللی اختراعات مورد حمایت قرار گرفته و مقررات یکسانی برای این دو مقوله از مالکیت صنعتی پیش بینی شده است.

در کنوانسیون پاریس و سایر معاهدات بین المللی ، از نمونه های اشیاء مصرفی تعریفی به عمل نیامده است. به طور کلی نمونه های اشیاء مصرفی به اختراعاتی در زمینه های مکانیکی اطلاق می شود^۲. برای آشنایی بیشتر با این نوع از ابداعات ، به نحوه ی حمایت از نمونه های اشیاء مصرفی و تفاوت آن با اختراع اشاره ای می شود.

^۱ منبع پیشین ، ص. ۹۰.

^۲ منبع پیشین ، ص. ۳۲۹.